

رسول پویان

آتشفشان خون

دندان گرگ حلقوم آهو گرفته است
کفتار پیر لاشه بد بو گرفته است
شیر ژیان اگر به شجاعت بود شهیر
روبه بترس وحیله گری خو گرفته است
جنگ و فساد و وحشت و بیداد مافیا
راه نجات خلق ز هرسو گرفته است
تسلیم زور و زر شده اند رهبران پیر
هریک دوخم دست به زانو گرفته است
در بستر کشاکش و آتشفشان خون
نسل جوان ز تجربه نیرو گرفته است
دوران رهبری به جوانان رسیده است
دشمن اگر چه راه تکاپو گرفته است
نسل جوان به عرصه رزم و دلاوری
نیروی دل ز رستم و برزو گرفته است
قفل طلسم کهنه بمیدان شکست و ریخت
بیهوده ارگ جمبل و جادو گرفته است
در روزگار تازه جوان غیور ما
از عقل و علم قوت بازو گرفته است
یک دست با کتاب و یک دست با سلاح
ذهن جوان توازن هر دو گرفته است
روشنگری که هست به آزادگی رفیق
از خون لاله شهرت و آبرو گرفته است
امواج خون نسل جوان در نبرد حق
از شش جهت تحرک آمو گرفته است

از بهر عدل و داد و مساوات در عمل
مرد و زن وطن چه هیاهو گرفته است

2016/8/4